

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی

۱۶ نومبر ۲۰۱۱

اربابان «شبنامه نویس» از چه قماشى اند؟

اوضاع و احوال راه افتاده در صفحات پورتال خصم افغن «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» از چند هفته به اینسو و واکنش های ایجاد شده در زمینه، مراهم بر آن داشت تا نظاره گر باقی نمانده و به عنوان همدردی با قربانیان آن عمل ناجوانمردانه و نهایت شنیع «شبنامه نویس» یکی دوسطری انشاء نمایم. گرچه من درموقف هموطنان دیگر هستم یعنی این که هویت «شبنامه نویس» و انگیزه اصلی و حقیقی توسل وی به چنین یک جنایت - که واقعاً جنایتش باید نامید - به من آشکار نیست ولی با آنهم این کمبود مانع از آن نمی شود که من سکوت را ترجیح داده و منتظر تکامل بحث بمانم.

به عبارت دیگر، من عمل «شبنامه نویس» رابا قاطعیت و کمال ضدیت ، آماج کین و نفرت خود قرار داده و آرزو دارم تا افشای مستقیم و یا غیر مستقیم آن فرد، به خودی خود، وی را کیفر نموده و رسوائی جبران ناپذیری را که وی سزاوار آنست، بروی مستولی نماید. به همین دلیل عدم شناخت از «شبنامه نویس» و اتکاء بر این فرضیه که ظواهر و قرائن ، او را گمارده افراد، دسته بندی های سیاسی - فکری مشخص و دستگاههای استخباراتی مختلف و عمدتاً غربی معرفی می نمایند ، روی کلام را به همان جهت می گردانم و این سؤال را مطرح می کنم که: با داران «شبنامه نویس از چه قماشى اند؟».

شاید پاسخ به آن سطحی و در اکثر موارد همراه با تفنن و بذله گوئی باشد ؛ ولی من این سؤال را جدی مطرح می کنم. این موضوع قبلاً در پورتال مطرح شده و به تاریخچه و گذشته توسل به پروپاگند از زاویه اتهامات اخلاقی در صحنه سیاسی جهان و افغانستان اشاره شده است. ولی آنچه را من در اینجا می خواهم یادآور شوم ، نمونه زنده، معاصر و غیر قابل انکار به کاربرد فرهنگ روسپی پرورانه ایست که امروز بر کشورآبائی ما وحشیانه و دسته جمعی - به سان گله گرگان گرسنه - یورش برده و هموطنان رنج دیده، حرمان کشیده ، بیکاروبی روزگار مارا هر آن به بهانه ای به غمی آغشته نموده و یا سربه نیست می نمایند.

بله! آنهایی که دیروز شاه سفاک ایران را که خود ش به خود لقب «شهنشاه» را داده بود ولی نزد با داران امریکائی و غربی اش ، مزدوربی مقداری بیش نبود (و تاریخ هم دم. چشمان نابورما بر آن صحنه گذاشت) ، برگردۀ توده های

ستمیدۀ ایران تحمیل نموده بودند (قبل از آنکه توده های ایرانی در دام اسلام خمینی بیفتند) ، همان دولت امریکا و همان دستگاه جهنمی «سی. آی. ای» است که امروز دلقک هائی چون «کرزی» ، «خلیل زاد» ، «سپنتا» و غیره را برگردۀ مردم بی پناه و غمدیدۀ ما سوار نموده اند.

فرهنگ منحط و گندیدۀ غربی که با وجود ادعاهای عوامفریبانۀ غربی های «متمدن» و سخن از آزادی زن، در واقعیت امر، اکثراً زن را فقط متاعی می شمارند که به سان گل های تازه تا زمانی که جوان اند و معطر و پراز زیبایی و دلربائی ، به طرف انواع و اقسام دام ها کشانده شوند تا گویا آیندۀ شان تضمین شده و به شهرت برسند، که البته نقطۀ مرکزی آن، چه برای زن و چه برای «روزنۀ امید» فردای وی ، پول درآوری و پول اندوزی می باشد و به اساس همین برخورد غیرانسانی و میرکانتیل (تجارتی) به مقابل زنان بوده که دهاره های مافیائی را به آن ترغیب نموده تا دختران و زنان معصوم در اروپای شرقی را که سالها رویای فریبندۀ «بهشت غرب» را در سر می پروراندند ، به رسیدن به سُرّاب غرب تشویق نموده و در دام جاه کشی و پول اندوزی خود بیندازند و پدیدۀ ننگینی را که به هزاران سال برمی گردد و در زبان فرانسوی به «تخت دی بلانش» (در دام انداختن زنان سفید پوست و فروش آنها در بازار بردگان) مسمای می باشد ، در شکل «معاصر» و «متمدن» آن ، دوام بخشند.

ایران دیروز (تصویر پائین) و ایران امروز ("تجارت" و قاچاق دختران جوان از طریق بحر و فروش آنها به شیوخ عرب) ، که می توان صدها و هزارها نمونه تازه از اثر حبیب الله آموزگار: «جنايات بشر يا آدم فروشان قرن بیست» را متأسفانه با آن رقم زد، نمی تونند از آن امر مستثنا باشند. و این خود نشان می دهد که در سوء استفاده از زنان به عنوان «متاع» و وسیلۀ ارضای شهوت مرد، نه تنها عین شیوه به کار گرفته می شود بلکه کانسانسوس یا توافق نظر کامل در عمل موجود است: در اینجا دیگر نه مسأله کفر در بین است نه اسلام! فقط تفاوتی را که می توان یافت اینست که دیروز خلفای عثمانی با فتوحات خود در غرب ، زنان اروپائی را اکثراً به عنوان «غنیمت جنگ» ، برده ساخته و در حرم سراهای خود برای ابد محبوس می ساختند ، ولی امروز این گماشتگان غرب اند که متعاقب فتوحات بادران خود، به «معاملۀ متقابل» دست زده و زن را به علاوه «متاع تجارتي» بودن آن از دید بورژوائی و امپریالیستی ، به «حربۀ سیاسی» جهت تهدید و تخويف مخالفین سیاسی - ایدئولوژیک هم مبدل ساخته اند. به همین دلیل است که «شبنامه نویسان» قادر اند تا با به راه انداختن توطئه علیه مخالفان سیاسی و به خصوص مبارزان ضد امپریالیستی و ضدارتجاعی ، وسیلۀ ننگین تهدید ، تخويف و سرکوب در دست داشته باشند. آنها نمی خواهند بفهمند که دیگر این سلاح هیچ نوع کاربردی نداشته فقط به درد سازندگان آن می خورد.

هیوادوال کابلی

۱۲ نوامبر ۲۰۱۱